

## آمادگی برای آخرت؛ چگونه فرصت کوتاه دنیا را به ابدیت پیوند دهیم؟

### آمادگی برای آخرت؛ نگاهی نو به معنای زندگی دنیوی

زندگی ما تنها به دنیای محدود و قابل مشاهده خلاصه نمی‌شود. مرگ، به معنای پایان نیست، بلکه ورود ما به عالمی دیگر است؛ عالمی که کیفیت حضورمان در آن، حاصل آن چیزی است که اکنون در دنیا ساخته‌ایم؛ بنابراین وقتی از «آمادگی برای آخرت» سخن می‌گوییم، در واقع از نوع مواجهه با همین زندگی روزمره صحبت می‌کنیم، نه از امری صرفاً آینده‌محور.

گفتیم که رابطه دنیا با آخرت مانند رابطه رحم مادر با دنیاست؛ همان‌طور که عملکرد جنین در رحم، کیفیت زندگی پس از تولد را تعیین می‌کند، نحوه زندگی ما در دنیا هم، مستقیماً کیفیت ورود و حیات ما در آخرت را تعیین می‌کند. از طرف دیگر همان‌گونه که رحم، محیطی موقت اما تعیین‌کننده برای شکل‌گیری بدن ماست، دنیا نیز محیطی است که ساختار وجودی ما برای حیات اخروی در آن شکل می‌گیرد. در هر دو مرحله، مسئله اصلی ساختن برای «تولد» است.

ما پیش از تولد به دنیا، در رحم مادر به طور پیوسته در حال ساختن ابزارهای لازم برای ورود به دنیا هستیم؛ قلب، سیستم بینایی و دستگاه‌های حیاتی کامل می‌شوند. کیفیت این ساخت، پس از تولد آشکار می‌شود. در حقیقت تولد، آغاز داوری بر گذشته پنهانی است که در دوران جنینی از سر گذرانده‌ایم. نشانه یک تولد سالم آن است که جنین، روزبه‌روز به یک موجود کامل شبیه‌تر شود و اعضای او متناسب با حیات پس از تولد شکل گرفته باشند. به همین نسبت، زندگی دنیایی ما مرحله‌ای است که در آن وجود ما در حال ساخته شدن است؛ وجودی که پس از مرگ، با همان کیفیت وارد عالم برزخ می‌شویم.

برای ملموس شدن این حقیقت، کافی است به نمونه‌های ساده زندگی خودمان نگاه کنیم؛ وقتی در دنیا اسماء الهی نظیر رحمان، غفور، شکور و ... را در خود فعال نکنیم؛ در واقع ابزارهای لازم برای شرایط زیستی آخرت را نساخته‌ایم. همان‌طور که نوزادی بدون ریه سالم نمی‌تواند پس از تولد به راحتی و بدون درد و رنج

نفس بکشد، انسانی که در دنیا اسماء الهی را در خود نپرورانده است، با ورود به عالم برزخ دچار محدودیت و رنج خواهد شد؛ این درد و رنج نتیجه طبیعی نقص در اندام زایی و نداشتن ابزار کافی به تناسب شرایط زیستی عالم آخرت است.

آمادگی برای آخرت، در این نگاه، نه به معنای ذخیره‌کردن اعمال، بلکه به معنای رشد یافتن خود ماست. این رشد یافتن؛ در واقع، جوهره آمادگی برای آخرت است. در این حالت، زمان امری خنثی نیست؛ ما با هر روزی که می‌گذرد، یا در حال ساختن توانایی‌های لازم برای حیات ابدی پیش رو هستیم، یا فرصت رشد را از دست می‌دهیم. دنیا رحم ماست و خروج از آن، تولد ما و کیفیت این تولد، چیزی جز حاصل آنچه امروز از خود می‌سازیم، نخواهد بود.

### مرگ؛ تولدی دوباره در مسیر آمادگی برای آخرت

وقتی از مرگ سخن می‌گوییم، معمولاً آن را پایان زندگی تصور می‌کنیم؛ اما در نگاه الهی، مرگ پایان نیست؛ بلکه تولد به مرحله‌ای دیگر از حیات است. تولدی که کیفیت آن، مستقیماً وابسته به آن چیزی است که اکنون در دنیا می‌سازیم؛ همان‌طور که کیفیت تولد نوزاد، همان ارزیابی دوران جنینی اوست، مرگ نیز آشکار شدن نتیجه زندگی ما در دنیاست.

در این نگاه، «عمل مقبول» معنایی فراتر از انجام یک کار خوب یا ترک یک کار بد دارد. عمل مقبول، عملی است که در ما تغییری واقعی ایجاد کند؛ تغییری که به رشد توانایی‌ها و ظرفیت‌های وجودی ما برای زندگی برزخی می‌انجامد. این تغییر و رشد، جوهره اصلی آمادگی برای آخرت است؛ همان‌طور که در رحم مادر، صرف حضور جنین کافی نیست و این رشد اندام‌هاست که امکان ادامه حیات را فراهم می‌کند، در دنیا نیز صرف زیستن یا حتی کسب ثواب کافی نیست؛ آنچه تعیین‌کننده است، رشد وجودی ماست.

عمل مقبول، دو کارکرد هم‌زمان دارد؛ از یک سو، هر آنچه می‌تواند جهنم‌ساز باشد را از ما دور می‌کند؛ یعنی صفات، گرایش‌ها و وابستگی‌هایی را که در عالم برزخ و آخرت به رنج و محدودیت تبدیل می‌شوند، در ما

تضعیف یا حذف می‌کند و از سوی دیگر، کمالاتی را در ما پدید می‌آورد که ما را قادر به زندگی بهشتی می‌سازد؛ زندگی‌ای سرشار از آرامش، سلام و امنیت درونی؛ زیستی که در آن خبری از لغو، تنش و فرسایش روح نیست<sup>۱</sup> و انسان در این سبک زندگی با حقیقت هماهنگ شده است.

اگر دنیا را رحم بدانیم، اعمال ما حکم فرآیندهای رشد درون این رحم را دارند. هیچ عضوی از بدن جنین ناگهان و دفعی شکل نمی‌گیرد؛ همه چیز تدریجی، پیوسته و تابع نظم است. به همین قیاس، کسب اسماء الهی نظیر حلم در وجود انسان ناگهانی پدید نمی‌آید؛ این اسماء با انجام عمل مقبول و مستمر ساخته می‌شوند.

برای لمس بهتر این مساله، کافی است به تجربه‌های روزمره نگاه کنیم. فرض کنید در موقعیت‌های مختلف، دائم خشم خود را بروز می‌دهیم؛ در چنین حالتی عملاً در حال حرکت خلاف جهت کسب اسماء الهی هستیم. در این حالت پس از ورود به برزخ، به دلیل نداشتن این توان، با فشار و رنج روبه‌رو خواهیم شد؛ درست مانند نوزادی که بدون ریه سالم به دنیا آمده و نفس کشیدن برایش دردناک است.

در مقابل، وقتی ما بارها و آگاهانه تمرین می‌کنیم که در موقعیت سخت، منصف بمانیم، خشم خود را مهار کنیم یا حق دیگری را حفظ کنیم، در حال ساختن ابزارهای متناسب با عالم آخرت در وجود خود هستیم؛ ابزارهایی که در عالم برزخ کارایی دارند. این، تفاوت میان عمل مقبول با عمل بی‌اثر است.

از این منظر، وظیفه ما در دنیا ساختن ابزارهای متناسب با عالم بعدی برای زیستن در آن است. این ساختن، همان آمادگی برای آخرت است. دنیا، فرصتی کوتاه اما تعیین‌کننده در اختیار ماست؛ فرصتی که با مرگ پایان می‌یابد، اما نتیجه‌اش با مرگ آغاز می‌شود. مرگ، لحظه‌ای است که کیفیت ساخته‌های ما وارد مرحله بهره‌برداری می‌شود؛ تولدی که یا با سلامت همراه است، یا با نقص و محدودیت.

<sup>۱</sup> «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا، إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا» در آن (باغ‌های بهشتی) نه لغو و بی‌هوده‌ای می‌شنوند نه سخنان گناه‌آلود؛ تنها چیزی که می‌شنوند سلام است، سلام» سوره مبارکه واقعه آیات ۲۴، ۲۵

## موانع پنهان و آشکار در مسیر آمادگی برای آخرت

اگر دنیا را رَجَم بدانیم و مرگ را لحظه آشکار شدن کیفیت این تولد، آنگاه باید بپذیریم که سلامت این تولد، بیش از آنکه به حجم اعمال ظاهری ما وابسته باشد، به نبودِ موانع رشد وجودی در ما گره خورده است؛ موانعی که بر سر راه آمادگی برای آخرت قرار دارند. در این مسیر، ما با دو مانع اساسی و ویرانگر روبه‌رو هستیم: یکی آشکار و محسوس و دیگری پنهان و بسیار خطرناک‌تر است. این دو مانع، یعنی گناه و عُجب (خودپسندی)، ظرفیت‌های حیاتی ما را برای زیستن در عالم آخرت، دچار اختلال یا توقف می‌کنند.

ما نباید گناه را صرفاً تخلف از دستور یا یک کار بد تلقی کنیم. از منظر تولد، هر گناه، به مثابه ایجاد نقص یا شکل‌گیری ناموزون در ساختار وجودی ماست. کسی که اهل گناه و معصیت است، مانند جنینی است که در محیط رحم، به جای رشد متوازن و هماهنگ اندام‌ها، دچار اختلال و انحراف می‌شود. مسیر چنین جنینی، اساساً به سمت تولد سالم و کامل پیش نمی‌رود، حتی اگر ظاهراً در رحم زنده باشد. هر بار که ما مرتکب گناهی می‌شویم؛ در واقع بخشی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را برای تولد سالم به عالم برزخ و آخرت، تضعیف کرده و یا از بین می‌بریم. گناه، ما را برای زیستن در شرایط متعالی آینده، ناتوان می‌سازد و این خودِ نقص وجودی ماست که رنج آفرین می‌شود.

اما خطر اصلی در این مسیر، همیشه آشکار نیست. پیامبر با صراحتی تکان‌دهنده هشدار می‌دهند که حتی فردی که اهل گناه آشکار نیست، می‌تواند به حالتی مبتلا شود که از گناه نیز ویرانگرتر است: «عُجب». عُجب، یعنی خودشیفتگی وجودی. در این حالت، ما عاشق خودمان، عبادت‌مان، علممان، جایگاه‌مان، کمالات ظاهری‌مان، یا حتی مسیر معنوی‌ای می‌شویم که در آن قدم گذاشته‌ایم. خطر اصلی عُجب در این است که نه‌تنها نقص را پنهان می‌کند، بلکه فرآیند رشد وجودی را متوقف می‌سازد و انسان را در همان وضعیت موجود منجمد می‌کند.

تفاوت مهلک عُجب با گناه این است که گناهکار در نهایت می‌فهمد بیمار است و امکان توبه و بازگشت دارد، اما انسان دچار عُجب، خود را سالم و حتی برتر می‌پندارد. او نیازی به توبه احساس نمی‌کند و چون از

دید خود کامل است، تلاشی هم برای تغییر و رشد نمی‌کند. این وضعیت، شبیه جنینی است که نقصی جدی دارد، اما هیچ علامت بیرونی درد یا هشدار ندارد؛ در نتیجه، هیچ تلاشی برای درمان و اصلاح صورت نگرفته و از تولد سالم بازماند. در این حالت اعمال نیک، به جای آنکه ما را به خدا نزدیک کنند و وجودمان را بسازند، به ابزاری برای تأیید من ما تبدیل شده و دارایی‌هایمان را نابود می‌سازند. این جاست که نه تنها به تولد سالم نزدیک نشده، بلکه با پندار غلط کمال، از آن فاصله نیز می‌گیریم.

گرفتن حالت تدافعی در برابر نقدهای سازنده، حس برتری نسبت به دیگران، عدم نیاز به اصلاح خود و ... همه این‌ها می‌توانند نشانه‌هایی از توقف رشد وجودی ما به واسطه عجب باشند. در این صورت، ممکن است از گناهان آشکار دوری کنیم، اما مسیر تولد سالم خود را با این موانع پنهان، بسته‌ایم.

وظیفه ما در قدم اول، برداشتن موانعی است که مانع آمادگی برای آخرت می‌شوند؛ هم گناهان آشکاری که با ایجاد نقص، تولد ما را معیوب می‌کنند و هم عجب که با توهم کمال، رشد ما را متوقف می‌سازد. اگر این دنیا رحم ماست، باید حواسمان باشد چه چیزی در ما شکل می‌گیرد؛ چون با همان کیفیت به آخرت متولد می‌شویم.

ما در این مقاله نگاهی نو به آمادگی برای آخرت انداختیم و نشان دادیم که دنیا، رحم سازنده وجود ما برای حیات اخروی است و مرگ، تولد ما به آن عالم. این تولد، جوهره آمادگی برای آخرت ماست کیفیت این تولد، مستقیماً وابسته به آن چیزی است که ما در این دنیا ساخته‌ایم.

«عمل مقبول» نه صرفاً انجام وظایف، بلکه فعالیتی است که ظرفیت‌های درونی ما را برای زیستن در عالم بعد می‌سازد و رشد می‌دهد. در این مسیر، دو مانع اصلی وجود دارد: گناهان آشکار که وجود ما را ناقص می‌کنند، و عجب (خودپسندی) پنهان که رشد را متوقف و حتی خطرناک‌تر از گناه است.

وظیفه ما در این فرصت کوتاه دنیوی، ساختن و پرورش خودمان است؛ تا تولدی سالم و کامل را برای ابدیت خود رقم بزنیم و به بهترین شکل ممکن، آمادگی لازم برای آخرت را کسب کنیم.